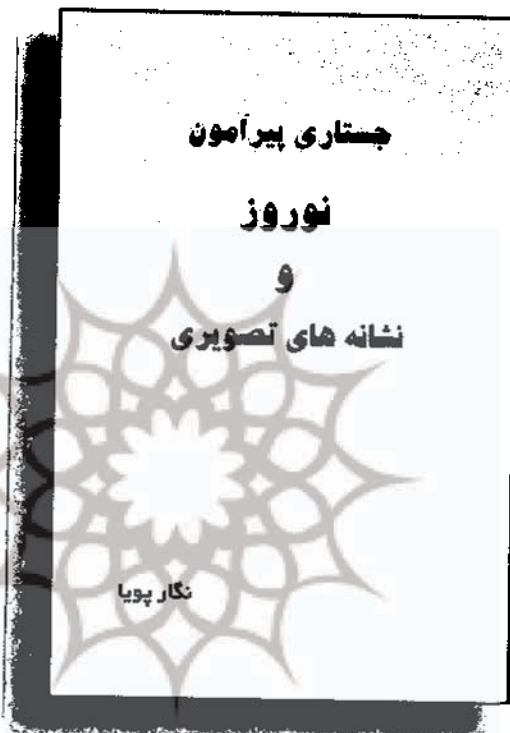


فرورز و نشانه های تصویری

حمیدرضا فیلوس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی

ماه و ستارگان جایگاه خاصی داشته و تأثیر کواکب اساس اعتقادات مردم قدیم بوده است. سپس به نوع گاه شماریها برمی خوریم، اولین گاه شماری بر مبنای ماه بوده و اجمالاً اعتقاد به ماه اعتقاد به بازگشت جاویدان و باعث ایجاد جشنهای گاه شماری مذهبی دانسته شده است. نکته حائز اهمیت وجود رنگ دینی و ایمانی در تقویمها و نام روزها و ماههاست. گاه شماری باستانی بر مبنای باورهای دینی - گاه شماری بر مبنای خورشید از دیگر انواع گاه شماری ذکر شده است. از درهم آمیختن این سه گاه شماری بود که پایه گاه شماری ایران با سبب و شصت روز متشکل از دوازده ماه و سی روز و به علاوه ۵ روز کیبسه بنانهاده شد. تقسیم بندی فصلها هم دیگر موضوع مطرح شده است که با وجود نام چهار فصل، سال به چهار فصل برابر چون روزگار کنونی تقسیم نمی شد. در اوستا و کتابهای پهلوی از تابستان هفت ماهه و زمستان پنج ماهه و هم از زمستان ده ماهه و تابستان دو ماهه و از دو فصل شش ماهه سخن گفته شده است. سپس در عنوان سوم به پیدایش نوروز و اساطیر پیرامون آن پرداخته می شود و با توجه به مدارک به دست آمده کهن ترین نشانه های نوروز در جشن بابلی در دوران گودا (۲۲۴۰ ق.م) است این جشن، جشن زگموگ بود به افتخار خدای مردوک. جشن بابلی روز اول سال در میان یهودیان هم تداوم یافت که ظاهراً به وسیله ایرانیان انتقال یافته است. در ایران باستان به دو

مطالبی که تحت عنوان «جستاری پیرامون نوروز و نشانه های تصویری مرتبط با آن» خواهد آمد به بررسی، پژوهش خانم نگار پویا در پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان اختصاص دارد.

این تألیف در دو فصل ارائه شده است. فصل اول در پنج عنوان «پیرامون نوروز» و فصل دوم با عنوان «تحلیلی پیرامون نقوش مرتبط با نوروز گردش زمان و نجوم» به بررسی ریشه تصویری در دوره های لرستان، ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و دوره بعد از اسلام می پردازد.

در عنوان اولیه فصل نخست محقق به ارائه تعاریفی از واژه های نوروز، جشن و فروردین همت گمارده و با توجه به فهرستی که در جای جای این نوشتار آمده نوروز را چنین تعریف می کند: واژه ای بر نخستین روز از نخستین ماه خورشیدی آنگاه که آفتاب به برج حمل (از برج حوت) انتقال یابد که آغاز فصل بهار و برابر با ۲۱ مارس می باشد. اصل پهلوی این واژه را نوک روچ Nok roc یا نوگ روز Nog roz دانسته است. و در تعریفی از کلمه جشن، ریشه آن را Yaz به معنای نیایش و پرستش دانسته است که در اصل جشن عبادت بوده است از مراسم نیایش و سپاس یک پیروزی یا واقعه ای آسمانی. فروردین واژه بعدی است که چنین تفسیر می کند که نام اولین ماه از سال فروردین یا فرورتن Fravaten واژه پهلوی مرکب است به معنی

منسوب به فرور که به این واژه در کتیبه های فارسی باستان دوره داریوش برمی خوریم. در توضیح فرور یا فروهر هم آورده که یکی از سه عنصر تشکیل دهنده آدمی است و تجسم ظاهری آن نور است. از فروشکوه فروهرهاست که عالم به مدار خود می چرخد. و به نقل از کتاب جهان فروری می خوانیم که فروهرها نیاکان مانید که ۵ روز آخر سال به زمین فرود می آیند. در عنوان دوم که به پیشینه ای از گاه شماری می پردازد ایرانیان را نخستین مردمانی دانسته که میان نموده های آسمانی و جنبه های یزدانی پیوند برقرار ساخته اند که این ویژگی در فرهنگ اساطیری این مردم هویداست. چنانکه در آیین های کهن ایران چون مزدیسنانی آسمان، خورشید،



نیک، آتشدان و اسپند، کتاب مقدس هر قوم، شیر تازه نماد نوزادان کیهانی، تخم مرغ نماد نژاد، آئینه نماد جهان بی پایان، سمنو نماد باروری، ستجد محرک عشق و باروری، ماهی افول برج حوت و هم نماد اناهیته الهیه آب و باروری و وجود سیب نماد زایش است که موجب سرشاری کیسه، گل بیدمشک، نارنج در کاسه آب نمادی از زمین برآب و جامی از شکر.

این بخش به این عبارت ختم می‌شود که جشن نوروز با چهارشنبه سوری آغاز و به سیزده نوروز خاتمه می‌یابد.

بخش دوم با عنوان تحلیلی پیرامون نشانه‌های تصویری در ارتباط با نوروز و گردش زمان به واقع بیش از آنکه مربوط به نوروز باشد و مرتبط با فصل اول بررسی مختصری از تاریخچه تصویرگری است. در حقیقت این بحث حوصله‌ای دیگر می‌جست چرا که چنانکه خواهد آمد پس از ریشه‌یابی نگارگری در ایران از پیش از تاریخ با رسیدن به دوره اسلامی این جستجو رها می‌شود گو اینکه تصویرگری در این دوره است که بیش از سایر دوره‌ها قابل بررسی بوده است. و با صرف نظر از این بخش به قرن ۱۳ وارد شده و با بررسی مختصری در چاپهای غیرکتابی مثل عیدی سازی را به مقوله چاپ سنگی و لیتوگرافی و پوسته و تمبر می‌برد. بهر حال این بخش چون همیشه از آثار نقاشی غارها می‌آغازد و گذر از دوران کهن سنگی به نوسنگی نخستین تغییر متمایل به انتزاع در سرتاسر هنر دانسته می‌شود.

نقوش اولیه در آغاز اساطیر سازه بود مانند اغلب خدایان کهن باستان چون زروان در ایران و آنو در بین النهرین. آثار تصویری انسان کهن امروز بهترین راهنمای ما برای پی بردن به اعتقادات آنانست. و

زنگی به دست است. حاجی فیروز باقی مانده آیین ایزد شهید شونده یا سیاوش دانسته شده است.

و بدین سان به آخرین بخش فصل نخست که بررسی آیین‌های ویژه نوبهار و نوروز است می‌رسیم. این آیین‌ها به این ترتیب‌اند:

۱- پاکسازی محیط و تمیز کردن خانه‌ها و دیوارها.

۲- تطهیر خویشتن و آبپاشی به هم

۳- اقرار به گناهان

۴- برهم ریختن نظم معمول و برپایی مراسم خاص میزنوروزی

ریشه آن هم از عهد تمدن بابل به جا مانده است. میر نوروزی حکومتی ۵ روزه داشته و در پایان کشته می‌شده و این آیین بیشتر مربوط به جامعه کشاورزان بوده است.

۵- مراسم تخم کاشتن و سبزه رویاندن

۶- اعتقاد به بازگشت مردگان در ایام آغاز سال نو (فروهرها)

۷- خاموش کردن و برافروختن مجدد آتش

مؤلف در انتهای این بحث به سفره نوروزی می‌پردازد که خود سفره را از بهترین یافته‌ها می‌اندازند، این سفره مجموعه‌ای هست از هفت امشاسپند که عبارتند از: اردی بهشت، خرداد، امرداد، شهریور، اسپندارمذ و خود اهورامزد. محقق در اینجا توضیحی به ما نمی‌دهد که آیا هفت امشاسپند همان هفت سین است یا خیر و در ادامه به ذکر اهمیت عدد هفت و بعد لوازم سفره نوروزی می‌پردازد لوازمی چون: قاپ نقش بزرگ یا سینی (چینی) نانی از هفت غله در زمان ساسانیان، سبزه به تعداد هفت عدد، در جشنهای زرتشتی سه انار به نشانه گفتار نیک، کردار نیک و پندار

عید برمی‌خوریم: اول عید آفرینش در آغاز پاییز و دوم عید باز زایی در آغاز بهار که به تموز خدای شهید شونده سوم مربوط است که سر سال نو متولد می‌شود و این آیین مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد بوده است. از دیگر اساطیر آیین نوروز آیین نیایش ایزد رپتیوین سرور گرمای نیمروز است. بعضی جشنهای ایرانیان را به انگیزه‌های ملی دانسته‌اند از جمله نوروز که منسوب به جمشید است و حکیم عمر خیام هم این مطلب را تأیید می‌کند: «چون جمشید به پادشاهی رسید دین را تجدید کرد و این کار در نوروز انجام شد و عید گرفته شد.»

مطلب و عنوان بعدی را محقق به مراسم پیشواز نوروز اختصاص می‌دهد چنین می‌شمرد:

۱- چهارشنبه سوری یا جشن آتش افروختن در چهارشنبه آخر سال که این جشن پس از دوران اسلامی رایج گشته چرا که تا پیش از آن تقسیم‌بندی روزها به صورت هفته نبوده است. اما رسم آتش سوزی پیش از عید بسیار کهن و حتی به قبل از زرتشت و هند و اروپا برمی‌گردد.

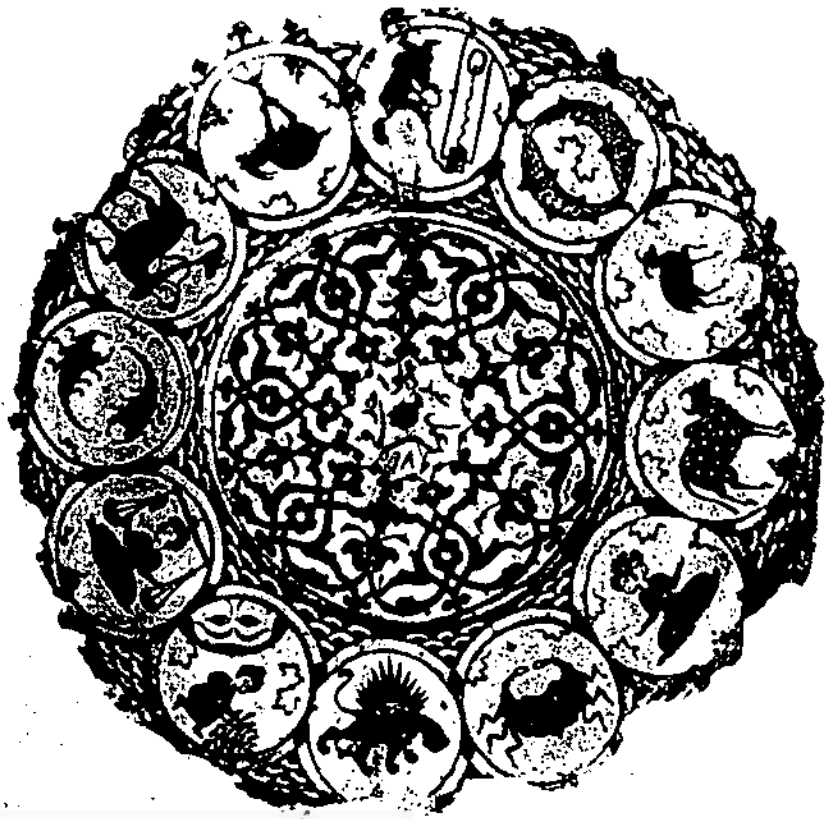
۲- فالگوش که مردان و زنان در تاریکی پنهان شده به سخنان عابران گوش داده و سخنان آنان دلیل خیر و شر بودن فال بوده است.

۳- ریختن آتش و آب از بام به منظور دفع بلا.

۴- اسفند دود کردن تا چشم بد را دور کنند.

۵- رسم شال‌اندازی به خانه‌های همسایگان به منظور گرفتن هدیه که در آن بسته می‌شد.

از جمله رسمهای پیشواز مهم می‌توان از بیکهای نوروزی نام برده که از ۱۵ تا ۲۰ روز به عید به گشت و سیاحت در منطقه می‌پرداختند. و حاجی فیروز معروفترین بیک نوروزی با پیراهن و شلوار قرمز کفش یا گیوه نوک تیز، کلاه منگوله‌دار و صورت سیاه و دایره



نظرف چینی لمایی با صحنه‌های که دوازده صورت فلکی در آن نقش شده، ۹۷۱ هجری

جای آنرا می‌گیرد. در کتب چاپ سنگی تصویر نیز موجود است. و بعد از آن روزنامه شکل می‌گیرد در این دوران آثاری که مربوط به نوروز باشد به چشم نمی‌خورد.

محقق نمونه‌هایی از تصویر اشیاء زینتی مربوط به نوروز را بهانه ادامه بحث قرار داده که می‌توانست در بحث مراسم پیشواز مطرح شود. جایی که از «تگه»ها بحث می‌شود که پیکهای نوروزی بنام تکم چی در شمال غربی بخصوص آذربایجان با خود حمل می‌کردند. در ادامه مؤلف به بررسی دوتنوع چاپ می‌نشیند، چاپ روی پارچه و چاپ تصاویر کتب و عرصه را تا دوره گسترش ماشین چاپ فراخ می‌کند. آن جا که در هنر گرافیک (دوره معاصر) تحولی عظیم صورت می‌گیرد و تا روی تمبرها، پوسته‌ها، تقویمها، کارتهای تبریک و هدایای تبلیغاتی و بیلبوردهای شهری دامنه تبلیغات نوروزی کشیده می‌شود. در منشأ کارت تبریک هم می‌خوانیم ریشه آن به دوره قاجار برمی‌گردد و به احتمال زیاد این اقدام الهام گرفته از سنت رد و بدل کردن کارتهای کریسمس در غرب بوده که توسط سفرای ایرانی بویژه در لندن به ایران آورده شده. «ایرانیکا» تقویم مورد بحث دیگری است که منشأ آن به قبل از میلاد (سال ۳۱۲ ق. میلاد) برمی‌گردد که پس از تجزیه امپراتوری آسیای اسکندر مقدونی مبنای تقویم رسمی در مملکت اشکانی، بین النهرین و سوریه گردید و بعد به چین رفت و رایج شد. تقویم دیگر تقویم اوستایی مربوط به عهد ساسانیان است. در سال ۴۷۱ هجری تقویم جلالی معمول شد و در سال ۱۳۳۳ هجری قمری برطبق قانون تقویم هجری شمسی برپایه تقویم جلالی و مبدأ هجرت حضرت محمد از مکه به مدینه بوجود آمد.

در انتهای نوشتار به چاپی‌های رایج کنونی پرداخته شده و از جمله پوستر و تمبر. سابقه پوستر به چهل سال پیش می‌رسد و داستان تمبر که از جمله اوراق بهادار است به ۱۲۸۲ که طی سفر هیئتی از تهران به پاریس بررسی می‌شود. سری باقری و تمبرهای موسوم به کاردی جزء اولین تمبرهای ایران محسوب می‌شود و نقش شیر و خورشید دارند و از جمله تمبرهایی بود با مضامین نوروز و میر نوروزی به بازار آمد.

نکته آخر آنکه در پایان نامه مذکور نسبت به درج یکسری تصاویر مربوط به بحثهای ارائه شده اقدام شده است. اما بیشتر تصاویر مربوط به بروج فلکی است و یکسری تصاویر که پیرامون مراسم آیین نوروز است و بعضاً در ذیل آنها عبارت خیالی آمده است. که با توجه به بودن و اجرا شدن بعضی از همین مراسم شاید بهتر آن باشد که به ارائه عکس پرداخته شود. درواقع محقق تحقیق خود را بیشتر در کتب جستجو کرده است و از اجرای این مراسم در زندگی روزمره ایرانیان استفاده نبرده است. در انتهای پایان نامه هم هفت تصویر متحرک تبلیغاتی جهت تبریک سال نو ارائه و چاپ کرده که این تصاویر گرافیکی و قابل استفاده در پوسترها و کارتهای نوروزی می‌باشند.

اشیاء را به صورت تجسم در پرهیز از بت پرستی نهی کرده و ترسیم نقوش جانداران را بر روی ظروف و اشیاء و دیوار تحریم کردند. به تدریج هنر تزئینی جایگزین هنر تجسمی می‌شود و فرمهای طبیعی بسیار تجزیدی شدند. از دوره سلجوقیان مجدداً هنر با زندگی مردم پیوند می‌خورد، از جمله هنرهای دستی ظریف پیشرفت فوق‌العاده‌ای کرده چنانکه در زمینه سفال سازی در شهر ری سفال لمایی بوجود می‌آید. به نظر می‌رسد سفال این دوره از آنجهت مورد بررسی واقع شده که امکان دسترسی به نقوش هر دوره‌ای را ممکن می‌سازد. در نقوش سلجوقی هم نظر به نقوش نجومی مثل عذرا، دب اکبر، هرکول، و هم نقوش انسان، جانوران و طرحهای اسلیمی که مربوط به سفالهای کاشان و سلطان آباد بعد از حمله مغول می‌شود. در این قسمت محقق به بررسی زیج‌ها می‌پردازد و از جمله به زیج انوشیروان، زیج ملکشاهی به تنظیم عمرخیا، زیج ایلخانی به تنظیم خواجه سقیر اشاره می‌کند. وظیفه اصلی منجمان نیز تعیین ساعات نحس و سعد برای سفر کردن، دارو خوردن، خون گرفتن و پیشگویی حوادث آینده بخصوص سال جدید بوده است.

با گذر از دوره میانی به قرن سیزدهم وارد می‌شویم قرنی که تهیه کتب خطی مصور در اواخر آن منسوخ گردیده است. این دوره دوره نفوذ هنر غربی است. با چنین گرایشهایی فن گراورسازی و چاپ ماشینی به ایران وارد شد و انتشار مطبوعات و کتب چاپی رایج گشت. نوعی چاپ هم بنام عیدی سازی هم وجود داشت که قدمت آن به اواخر قرن دوازدهم هجری برمی‌گردد. منشأ طرحهای عیدی سازی پردههای قلمکار، مینیاتور و پردههای رنگ و روغن دوران زند و قاجار و پردههای مذهبی بوده است.

کم کم صنعت چاپ در ایران پامی‌گیرد. ابتدا چاپخانه‌های سربی، سپس لیتوگرافی و چاپ سنگی

شباهت فراوانی بین این نگاره‌ها و صور فلکی دوازده گانه مشهود است. تصویر ماه که قدیمی ترین تصویر خواننده می‌شود مربوط به چهار هزار سال قبل از میلاد است و تصاویر باران و برف و خورشید و خورشید و ماه با هم که گذشت فصول را تداعی می‌کنند! او یا شاید گذشت روز و شب را. در بررسی نقش‌های بجامانده بر مهرها و سفالها متوجه می‌شویم گاو نماد ماه و شیر نمادی از خورشید بوده است.

در این فصل از بحث، ارتباط و منطق طولی مطالب بریده شده چنان که به بررسی تاریخ کهنترین مهرها می‌نشیند و جنس آنها و مکان آنها را بررسی کرده و آن گاه نقوش مربوط به هزاره اول قبل از میلاد را منسوب به لرستان می‌داند. از خصوصیات این تصاویر نزدیکی بیشتر با طبیعت است کاوش رصدخانه مراغه - پرویز ورجاوند. در نقوش قدیمی هم دوازده برج را دایره‌وار ترسیم می‌کردند که در مرکز آن گاه میترا خدای زمان حضور داشت. از دوره مادها آثاری چند برجای مانده اما در دوره هخامنشی فعالیتهای نجومی از جمله کاربرد تقویم اوستایی وسعت می‌یابد. سپس به بررسی شاهان هخامنشی می‌نشینیم و شاید لزوم این بحث به این علت بوده که این شاهان بهار را در تخت جمشید می‌گذراندند و مراسم جشن ملی نوروز در تخت جمشید بوده است.

سبک طراحی این دوره به دوگونه ذکر می‌شود: اول با اساطیری که تجزیدی است و دوم سبک طبیعت. پیشرفتهای دوره هخامنشی در علم و نجوم در دوره‌های اشکانی و ساسانی ادامه یافت چنانچه از عهد اشکانی کتیبه‌هایی در مورد نجوم در دست است. نقوش دوره ساسانی تجزیدی بوده است و بالای این نقوش معمولاً هلال ماه یا شاخ گاو قرار داشته است.

سپس به دوره اسلامی می‌رسیم در طول ۲ قرن اولیه ورود اسلام به ایران اعراب هرگونه ساخت